

یه روز میاد قصه ی غصه ها به سر (۲)  
مسافر سپیده ها میاد یه روزی از سفر (۲)  
میاد و چشم آسمون اونو تماشا میکنه (۲)  
پریدن و پر زدن دوباره معنا میکنه (۲)  
تو باغ سبز دستهای سحر جوونه میزنه  
بغض غم ترانه ها با این بهونه میشکنه  
میاد و چشمه ی غزل می جوشه تو بیشه ها (۲)  
روی سطوح این کویر می باره بارون خدا (۲)  
تو قحطی نور و نفس میاد و آفتابی میشه  
از قدمش غربت شب یه پارچه مهتابی میشه  
زائر حرمت نگاهش پرنده های آسمون  
پشت سرش صف میکشن ستاره های کهکشون  
میاد و چشمه ی غزل می جوشه توی بیشه ها  
روی سطوح این کویر می باره بارون خدا  
کشتی طوفان زدمون تو دست موج حسرت  
چشمای بی قرار ما تو حسرت سخاوت  
سینه و دل نذر تو ، پسر شیر خدا  
تو مرغ دل تو این قفس نداده جون  
بیا بیا